



## رویارویی پژوهشگران

### امریکایی و عرب در

### سمینار دوحه

سرپرستی گری سیک از دانشگاه کلمبیای امریکا و مرکز مطالعات استراتژیک در قطر به مدیریت دکتر محمد صالح المُسفر، استاد علوم در دانشگاه قطر.

در این سمینار که تحت عنوان

جدول متغیرهای امنیت در دولتهای خلیج (فارس) برپا شد دو نکته جلب توجه کرد: نخست حضور گسترده امریکاییان (۱۹ شخصیت امریکایی از جمله ریچارد مورفی و رابرت پلترو، معاونان اسبق و سابق وزارت خارجه امریکا در امور خاورمیانه، در مقایسه با حضور پژوهشگران دیگر

اوایل آبانماه گذشته سمیناری در دوحه (قطر) پیرامون امنیت خلیج فارس برگزار شد که به رغم اهمیت فراوانی که داشت مورد عنایت محافل سیاسی و مطبوعاتی قرار نگرفت. برگزارکنندگان این سمینار عبارت بودند از: مؤسسه بین المللی مطالعات استراتژیک در لندن، «خلیج ۲۰۰۰» به

کشورها: ۷ نفر از انگلستان، ۱۳ پژوهشگر عرب، یک نفر از ترکیه، یک نفر از فرانسه و دو نفر از ایرانیان خارج از کشور بنامهای: بیژن خواجه پور که در یکی از جلسات مقاله ای را ارائه کرد و شهرام چوبین که به عنوان منتقد مقاله وی سخن گفت).

اما نکته دوم، بحث جنجالی و داغی بود که بین اساتید عرب در خلیج فارس و شرکت کنندگان امریکایی و انگلیسی پیرامون امنیت خلیج فارس در گرفت که از هر نظر مهم و پرمعنی بود و نشان می داد که نخبگان فکری در کشورهای عربی خلیج فارس در شرایطی قرار دارند که افکار خود را با شجاعت و صراحت بیان می کنند.

این کشمکش سیاسی-علمی مربوط به جلسه بحث پیرامون «کشمکش و همکاری در خلیج فارس» بود. در این جلسه مقاله اصلی را دکتر محمد المسفر تحت عنوان «چالشهای امنیتی در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج (فارس)» ارائه داد و همچنین دکتر حسن علیکم از دانشگاه العین امارات متحده عربی، و دکتر عثمان الرواف، از دانشگاه ملک سعود عربستان سعودی به عنوان منتقد سخنان مهمی ایراد کردند.

در مقاله دکتر المسفر مفهوم امنیت و اوضاع خلیج فارس مورد بحث قرار گرفت. وی امنیت ملی را به دو مسئله ثبات و توسعه ربط داد و تأکید کرد که بدون ثبات و توسعه، جامعه قدرت مقابله با خطرهای خارجی را از دست می دهد. دکتر المسفر در بررسی

اوضاع اقتصادی در خلیج فارس به دو واقعیت مهم اشاره کرد: نخست خریدهای هنگفت و بی دلیل اسلحه و فقدان مهارتهای لازم برای استفاده از این سلاحها که باعث می شود سلاحهای خریداری شده همچنان در دست کارشناسان خارجی باقی بماند؛ و دوم هزینه های کمر شکن حضور نیروهای خارجی در منطقه که بار سنگینی را بردوش کشورهای عرب منطقه گذاشته است. وی در بحث پیرامون موانع هم تکمیلی دفاعی بین اعضای شورای همکاری به شکست طرح تکیه بر نیروهای «سپر جزیره» و اختلافهای مربوط به فرماندهی و اماکن تمرکز این نیروها و نیز شکست اعلامیه دمشق (۲+۶) اشاره کرد و گفت که این وضعیت کشورهای منطقه را به سوی امضای موافقتنامه های دوجانبه امنیتی با کشورهای غربی سوق داده است.

دکتر المسفر تأکید کرد که

امنیت خلیج فارس، قبل از هر چیز، به توافق سه قدرت اصلی منطقه یعنی ایران، عراق و عربستان سعودی ربط دارد و امروزه، پس از تمرکز نیروهای غربی در منطقه و اعمال سیاست مهار دوگانه علیه ایران و عراق، امنیت خلیج فارس بیش از هر زمان دیگر به خطر افتاده است زیرا ایران و عراق مخالف ترتیبات امنیتی تحمیل شده از سوی ایالات متحده امریکا بر منطقه هستند و معتقدند که حضور نظامی امریکا امنیت ملی آن دو را تهدید می کند.

معضل اصلی این است که ادامه سیاست مهار عراق و ایران امنیت خلیج فارس را تهدید می کند، وقوع جنگ جدیدی بین عراق و ایران تهدیدی برای امنیت منطقه است، و اتفاق نظر این دو نیز حضور نظامی امریکا در خلیج فارس را مورد تهدید قرار می دهد. بنابراین تنه‌راه برای حل این معضل و خروج از این ورطه این است که یک طرح امنیتی جامع با شرکت همه کشورهای خلیج فارس از جمله ایران و عراق، جایگزین وضعیت کنونی شود.

دکتر المسفر از دولت‌های منطقه خواست که همان واقعگرایی سیاسی را که

اروپای پس از جنگ جهانی دوم ملحوظ داشت در نظر بگیرند و در کل سیاستهای خویش تجدید نظر کنند و مطمئن باشند که تکیه بر امنیت عاریه‌ای و کمک خواستن از نیروهای بیگانه مهمترین خطری است که امنیت را تهدید می کند. به گفته وی تنها راه خروج از بن بست کنونی ایجاد شبکه‌ای از منافع اقتصادی برای رسیدن به یک فرمول امنیت منطقه‌ای در سه دایره است: دایره اول (۶+۲) شامل کشورهای عضو شورای همکاری به اضافه عراق و یمن به عنوان دو کشور موجود در حوضه خلیج فارس است.

دایره دوم (۸+۱) یعنی هشت دولت ذکر شده به اضافه ایران و این همان فرمول کشورهای دارای ساحل در خلیج فارس است که اواخر دهه هفتاد میلادی در کنفرانس مستط عنوان شد. اما دایره سوم شامل کشورهای عضو شورای همکاری به اضافه عراق و یمن و دو کشور عربی دیگر یعنی مصر و سوریه و دو دولت منطقه‌ای یعنی ایران و ترکیه می شود. بطور خلاصه دکتر المسفر تأکید کرد که امنیت در خلیج فارس محقق نمی شود مگر با عقب نشینی نیروهای بیگانه و مشارکت همه کشورهای حوضه خلیج فارس از جمله

عراق و ایران و یمن در ترتیبات همه جانبه امنیتی.

آنگاه نخستین منتقد یعنی دکتر عثمان الرواف، استاد علوم سیاسی دانشگاه ملک سعود رشته سخن را در دست گرفت و ضمن اشاره به سرخوردگی روشنفکران عرب در خلیج فارس از سیاستهای دولتهای متبوع و ناخشنودی آنها از حضور نیروهای بیگانه در منطقه تأکید کرد که امریکاییان در گزارشهای خود دربارهٔ خطرهایی که در کمین دولتهای عربی خلیج فارس است بسیار مبالغه می کنند زیرا بسیاری از خطرهایی که گفته می شود از سوی ایران متوجه کشورهای خلیج (فارس) است واقعیت ندارد. وی افزود وارد کردن یمن در شورای همکاری مطرح است و شاید به جای «شورای همکاری خلیج» حرکت به سمت ایجاد «شورای همکاری جزیره» شکل گیرد، اما مشکل اینجاست که کویت همچنان عراق را بزرگترین خطر می داند و همین نظر را امارات دربارهٔ ایران دارد و به رغم وضوح موجود در دایره های امنیتی مطرح شده از سوی دکتر المسفر، تحقق آنها در آینده صرفاً در چارچوب احتمال است.

اما منتقد دوم، دکتر حسن علیکم، رئیس بخش سیاسی دانشگاه امارات، گفت که وی با دکتر المسفر درباره دایره امنیتی در برگیرندهٔ عراق، ایران و یمن موافق است بخصوص که عراق دروازه شرقی جهان عرب محسوب می شود و همانند ایران و یمن، باید در دایره امنیت منطقه ای حضور داشته باشد. وی تأکید کرد که امنیت در خلیج (فارس) از طریق افزایش هزینه های نظامی و انبار کردن اسلحه و بستن دهان مردم و سانسور مطبوعات به دست نمی آید و اینک بزرگترین چالش در برابر دولتهای خلیج (فارس) چالش دموکراسی است که هنوز بعضی آن را خطرناک می دانند. دموکراسی نه تنها خطری برای منطقه یا خانواده های حاکم در آن نیست بلکه می تواند پایه مستحکمی برای آن باشد، زیرا حکام منطقه دیر یا زود باید برای بحران مشروعیت سیاسی خود فکری بکنند. دکتر علیکم سیاستهای موجود در جهت وابستگی هرچه بیشتر منطقه به امریکا را مورد انتقاد قرار داد و با اشاره به بحران آب در خلیج فارس و نمایان شدن خطری که امنیت غذایی منطقه را تهدید می کند گفت وارد

کردن گندم از آمریکا زمینه دیگری برای وابستگی هرچه بیشتر کشورهای عرب منطقه به امریکا است که باید از آن جلوگیری شود.

به محض پایان ارائه مقاله و مطالب منتقدان و آغاز بحث و گفتگو، شخصیت‌های امریکایی و انگلیسی حمله همه جانبه ای را بر ضد نظریه دایره های امنیتی سه گانه شروع کردند. آنها معتقد بودند که منبع تهدید در خلیج فارس عراق و ایران و حرکت‌های اصولگرای اسلامی هستند و غرب با آوردن نیروهای خود به این منطقه بطور جدی می کوشد از امنیت خلیج فارس در برابر این تهدیدها محافظت نماید. از جمله، آنتونی کوردزمن، مدیر برنامه مطالعات خاورمیانه گفت: ما امروز یک بدنه با ثبات در

خلیج فارس به وجود آورده ایم که از طریق مشارکت امریکا، انگلستان و فرانسه به شکل قراردادهای دوجانبه امنیتی با کشورهای عضو شورای همکاری، تحقق یافته و باعث پیدایش یک توازن مهم و تضمین های امنیتی به عنوان سپری محافظ در برابر تهدیدهای عراق و ایران شده است. سخن از باز گرداندن عراق به محدوده عربی خلیج فارس جایگاهی

ندارد زیرا عراق هرگز در این محدوده با دیگر کشورهای غربی وارد نشده و تمایلی به شراکت با کسی ندارد بلکه پیوسته می کوشد دیگران را زیر سلطه خود قرار دهد.

قدرت نظامی عراق را نیز نباید دست کم گرفت زیرا این کشور هنوز توانایی تولید و استفاده از سلاحهای کشتار جمعی بویژه سلاحهای بیولوژیک را دارد و در صورت برداشتن حلقه محاصره و تحریم، قادر است ظرف یک سال اسلحه اتمی تولید کند. هیچ چیز جلودار عراق نیست مگر آنکه قاطعانه با آن مقابله شود. ایران نیز قدرت نظامی خود را به ویژه در زمینه ساخت موشک به شکل ترسناکی بالا می برد و توانایی بکارگیری سلاحهای کشتار جمعی را دارد.

سخنران بعدی، ریچارد مورفی بود که اظهار داشت وی مطمئن نیست که کشورهای عضو شورای همکاری توانایی مقابله با تحولات پدید آمده در منطقه در عصر جهانی گرائی (Globalism) را داشته باشند. وی به خطر بالا گرفتن نقش نهادهای نظامی در کشورهای خلیج فارس و اشاره به این احتمال که نهادهای مذکور در آینده خواستار

نقش سیاسی شوند گفت بین نقش ارتش در ایران و در کشورهای عربی خلیج فارس تفاوت‌هایی وجود دارد.

دکتر اندرور راتمیل از مرکز مطالعات دفاعی انگلستان، نیز ابراز عقیده کرد که خطر موجود در خلیج فارس ممکن است در یک چشم به هم زدن به انفجار بیانجامد و آنگاه پشیمانی سودی نخواهد داشت. وی افزود حضور نیروهای ائتلاف غربی تضمین کننده حفظ توازن موجود است و اندیشیدن به ایجاد بدیلی برای این نیروها فایده‌ای به بار نمی‌آورد. رابرت پلتر و نیز در سخنان خود گفت که ادامه محاصره و تحریم عراق باعث تضمین رفع خطر از دیگر کشورهای منطقه می‌شود و تا زمانی که پیشرفتی واقعی در زمینه نبود کردن سلاح‌های کشتار جمعی عراق روی ندهد تحریم از این کشور برداشته نخواهد شد.

در پاسخ به موج حمله شرکت کنندگان غربی، دکتر حسن علی‌کیم بالحنی صریح گفت که ایالات متحده شرایط مورد نظر خود را به اعضای شورای همکاری دیکته می‌کند؛ به

آنها می‌گوید با اسرائیل صلح کنید، آنها هم صلح می‌کنند؛ تحریم را از اسرائیل بردارید، آنها هم برمی‌دارند. و یا امریکا تهدید می‌کند که اگر امارات در کنفرانس اقتصادی دوحه شرکت نکند، نیروهای خود را از خلیج (فارس) بیرون می‌کشد.

وی افزود: من به عنوان یک شهروند اماراتی افتخار می‌کنم که کشورم با رده‌های تهدیدها و فشارهای امریکا تصمیم گرفت در کنفرانس دوحه شرکت نکند. دکتر علی‌کیم خطاب به امریکاییان حاضر در سمینار گفت: شما نمی‌توانید تا ابد خود را استاد و ما را شاگرد بدانید. ما هم دیگر حاضر به شاگردی شما نیستیم. شما امنیت منطقه را به خطر انداخته‌اید و شب و روز تکرار می‌کنید که عراق و ایران امنیت منطقه را تهدید می‌کنند. این حنا دیگر رنگی ندارد.

به همین ترتیب بقیه پژوهشگران عرب از کشورهای خلیج فارس نیز به انتقاد از سیاست امریکا پرداختند و در اظهار نظرهای خود به مسئله فشار امریکا بر کشورهای عرب در خلیج فارس و واداشتن آنها به خرید اجباری اسلحه امریکایی و انبار کردن آن اشاره کردند. این مطلب مورد تأیید بعضی از

اساتید امریکایی نیز قرار گرفت و از جمله دکتر گریگوری گاس، استاد علوم سیاسی دانشگاه ورمونت امریکا گفت: می توان پذیرفت که در سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲، امریکا به دلایل سیاسی و اقتصادی، فشارهایی بر کشورهای خلیج فارس برای خرید اسلحه امریکایی وارد آورده و بعید نیست که در سالهای اخیر نیز از طریق برخی فشارها تلاش کرده باشد به قراردادهایی برای فروش تسلیحات دست یابد.

هنگامی که از تنها شرکت کننده فرانسوی حاضر در سمینار خواسته شد که نظرش را در این بحث بیان کند، ژان فرانسوا ژيرو، مسؤول بخش خاورمیانه در وزارت امور خارجه فرانسه، سیاست امریکا در منطقه را مورد انتقاد قرار داد و از فشارهای امریکا برای دست یافتن به قراردادهای فروش تسلیحات به اعراب خلیج فارس به شدت انتقاد کرد. او معتقد بود که ادامه سیاست مهار دوگانه باعث زدودن تیرگی اوضاع در منطقه نمی شود. بحث های سمینار دوحه نمونه ای بود از کشمکش میان پژوهشگران عرب خلیج فارس با اساتید و شخصیت های امریکایی و انگلیسی که تقریباً بر همه جلسات سمینار حاکم بود. این امر

نه تنها نشان وجود تحول در جامعه علمی و دانشگاهی اعراب خلیج فارس محسوب می شد، بلکه به دلیل نفوذی که نخبگان فکری می توانند بر محافل تصمیم گیری و مردمی داشته باشند از این واقعیت خبر می داد که غرب دیگر مانند گذشته نمی تواند به راحتی سیاستهای خود را بر منطقه تحمیل کند.

یادآوری می شود که دکتر محمد صالح المسفر، از شخصیت های علمی روشن بین و پرتلاش قطر است. وی در اواخر تابستان ۱۳۷۴ به هنگام برگزاری نخستین سمینار گفتگوی اعراب و ایرانیان که به ابتکار مرکز مطالعات وحدت عربی (بیروت) و مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه (تهران) در دانشگاه قطر منعقد شد، تلاش خستگی ناپذیری در جهت موفقیت هر چه بیشتر این سمینار به عمل آورد. همچنین دکتر حسن علکیم از دانشگاه امارات است که در سمینار همکاری و توسعه در خلیج فارس که سال گذشته در دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی (تهران) برگزار شد، شرکت کرده بود.

محمد علی مهتدی